شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARAONLINE.IR
۵شنبه
۲۰ دی ۱۳۹۷
۳جمادی‌الاول۱۴۴۰
شماره ۲۷۳۷

ایرادهای خط ۲ قطار شهری برطرف شود

الو شهرآرا...

اینجا تریبونی برای بیان نظرات، انتقادات، مشکلات و درخواست‌های شما شهروندان است که می‌توانید از روش‌های زیر، آن‌ها را با ما در میان بگذارید.

اینستاگرام: @shahraranews
تارنما: shahraraonline.com
رایانامه: info@shahrara.com
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
پیام رسان: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
مراجعه حضوری
تلفن: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱

شهروندان گرامی! با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

شهرستان

شهروند: من یکی از اهالی روستای چشمه‌گیلاس هستم. لطفا مشکل پل گاوداری آستان قدس رضوی را حل کنید. این پل خیلی باریک است و در اینجا تصادف زیادی روی می‌دهد.

آموزش‌وپرورش

۰۹۳۵۰۰۰۱۴۵ خواهش می‌کنم از مراسم پرسروصدای صبحگاهی در یکی از دبیرستان‌ها در محمدآباد۵ گزارش تهیه کنید. تا چند کوچه آن‌طرف‌تر هم آسایش نداریم. لطفا به اطلاع مدیرکل آموزش‌وپرورش هم برسانید.

قطارشهری

۰۹۱۵۰۰۰۷۱۶ بنویسید خط ۲ اصلا استاندارد نیست و قطار بسیار سروصداست و گاه بوی بد می‌دهد. همچنین پیجر گاهی خاموش یا کم‌صداست و فاصله لبه قطار با سکوی ایستگاه زیاد است، درحالی که در خط یک، لبه قطار مساوی با سکوست.

شهرداری

۰۹۳۳۰۰۰۲۴۰ برخی پیاده‌روهای شهر به‌شدت بالاوپایین دارد و باعث اذیت مردم در ترددهایشان می‌شود.

شهروند: از شهرداری گلایه دارم. با کلی تبلیغ، مردم را به استفاده از سامانه شهروندسپاری استعلامات، تشویق کردند و قرار بود جواب استعلام‌ها سه‌روزه آماده شود ولی حدود دو هفته، معطل صدور یک گواهی انتقال مانده‌ام. این سامانه قرار بود مراجعه حضوری مراجعان را به شهرداری کم کند ولی من هر روز برای پیگیری امور به شهرداری منطقه‌یک مراجعه می‌کنم و به نتیجه‌ای نمی‌رسم.

۰۹۱۵۰۰۰۸۴۸ از علاقه‌مندان به رالی دعوت می‌کنم اگر نیاز به هیجان و رانندگی در مسیری پرفرازونشیب دارند، سری به خیابان محمدآباد بزنند؛ چون دارای چاله‌وچوله و سرعت‌گیر فراوان است.

۰۹۱۵۰۰۰۶۸۲ خواهش می‌کنم درصورت امکان برای آسفالت خیابان نماز ۲۷ که دارای مسیری خاکی با شرایط بسیار نابسامان است، اقدام و همکاری کنید.

اتوبوس‌رانی

شهروند: چرا برای خط ۳ تندرو در مواقع صبح و بعدازظهر که مسافران، اغلب از قشر کارگر هستند، تدبیری اندیشیده نمی‌شود؟ این خط در بهترین حالت، بسیار شلوغ است و در بدترین حالت، مسافران در ایستگاه‌های مختلف از اتوبوس جامی‌مانند! همچنین خط ۱۳/۱ با سرفاصله زمانی حداقل ۱۵ تا ۲۰دقیقه تردد می‌کند.

مخابرات

۰۹۰۵۰۰۰۳۳۲ بیش از یک ماه است که تلفن‌های مردم در میثاق ۳۸ قطع شده است. چندمرتبه از مخابرات پیگیری کردیم اما کسی پاسخ‌گو نیست.

شهرستان

شهروند: شهر جدید گلبهار باید جاذبه داشته باشد تا بخشی از جمعیت مشهد را جذب کند. به‌نظر من، مهم‌ترین موضوع آغاز به‌کار هرچه سریع‌تر متروست.

امیر کبیر و اصلاحات جامع

ادامه یادداشت از صفحه۱

... و ایجاد مطبعه‌ها یا چاپخانه‌ها و نیز انتشار اولین روزنامه کثیرالانتشار با نام وقایع اتفاقیه را دربرمی گرفت، اصلاحات اجتماعی و تربیتی که باز افزون بر موارد پیشین، موضوعاتی همچون تنویر افکار و مقابله با خرافات و کهنه‌پرستی را شامل می‌شد، اصلاحات بهداشتی و درمانی ازقبیل مایه‌کوبی یا واکسیناسیون، اصلاحات اقتصادی و مالی مشتمل بر متعادل‌ساختن هزینه‌ها و درآمدهای دولت، تنظیم بودجه برای نخستین‌بار، تعیین حقوق برای مشاغل، مبارزه با حیف‌ومیل و اختلاس و ارتشا و فساد مالی در دستگاه‌های اداری و دربار، و محدودکردن مستمری‌های بی‌حساب وکتاب شاهزادگان و درباریان و سرانجام اصلاحات دیپلماتیک و مرتبط با سیاست خارجی که به پی‌ریزی روابط برابر متقابل با سایر دول و ایجاد نمایندگی‌های دائم در کشورهای دیگر مشابه نمایندگی‌های این کشورها در ایران انجامید. امیرکبیر همچنین درجهت ایجاد نظم و ثبات لازم برای انجام اصلاحات مدنظر به اقداماتی چون دفع شورش سالار در خراسان که موجب ناامنی و پریشانی در این سامان شده بود، پرداخت. گستره و ژرفای اقدامات اصلاحی امیرکبیر که تا روزگار او بی‌سابقه بود، پس از او نیز شاید تا امروز تکرار نشد. شهادت امیرکبیر در بیستم دی‌ماه ۱۲۳۰ خورشیدی، پایان فصلی درخشان از اصلاحات جامع و فراگیر در ایران بود؛ اقدامات و اصلاحاتی که به‌مثابه ضرورتی گریزناپذیر پس از او نیز گرچه در مقیاسی محدودتر، به دست وزرایی چون سپه‌سالار و حتی شخص شاه در دوره ناصری و در ادوار بعدی تداوم یافت.

از نگاه مخاطب

پارک در پیاده‌رو، با چه منطقی؟

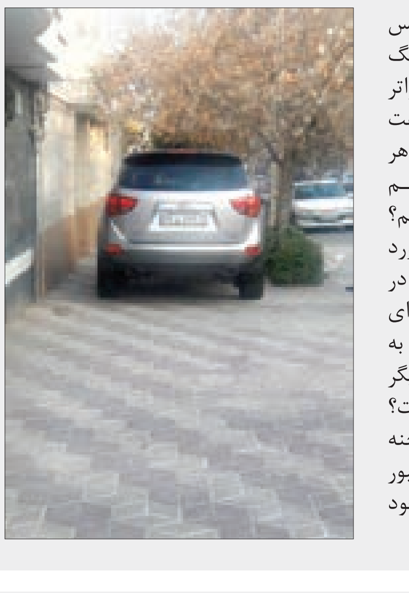

عکس: شهروند خبرنگار| مرضیه بدیعی

وقتی همه‌جا قرار نیست پلیس حضور داشته باشد، وقتی فرهنگ شهروندی از مرحله شعار فراتر نرفته است، چه می‌توان گفت درمقابل بی‌قانونی‌هایی که هر روز وجود دارد و خیلی هم ساده از کنارش می‌گذریم؟ دیگر چقدر قرار است درمورد قانون‌شکنی پارک خودرو در پیاده‌رو نوشته شود؟ چرا برای برخی‌ها، ساده‌ترین کار حتی به قیمت ایجاد مزاحمت برای دیگر شهروندان، شیرین و راحت است؟ در بولوار امامت با این صحنه مواجه شدم. متأسفانه امکان عبور از پیاده‌رو با کالسکه بچه وجود ندارد.

مجتبی بهاروند، رئیس کمیسیون حمل و نقل و ترافیک شورای شهر مشهد:

بازار مسکن به دلیل رکود حاکم بر آن فقط با تصویب چنین لایحه‌ای دچار تحول نمی‌شود و لایحه ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری فقط به عنوان یک مشوق برای کمک به خروج از رکود مطرح است.

هر روز با یک شهروند

داستان نویس محله چهنو

تمام داستان‌هایش از دل محلات است؛ درست از محلات و کوچه و بازار. با الگوهایی که زنده‌اند و در همین کوچه و بازار زندگی می‌کنند. از بقال محل گرفته تا دکتر و بچه دبستانی. به قول خودش، مرضیه امینی از دل همین محله‌ها برخاسته است. نویسنده محله چهنو اولین داستانش را زمانی که دانش‌آموزی دوازده‌ساله بود، نوشت. داستان «انتظار بی‌پایان» که در دوره دبیرستان نوشت، شروع موفقیت‌های او بود. او که نویسنده‌ای معلول است، از روزهای انس بیشتر با کتاب و داستان این‌گونه می‌گوید: زنگ‌های تفریح چون نمی‌توانستم ورزش کنم، داخل کلاس می‌نشستم و در همان زمان شاهنامه، گلستان، بوستان و دیوان حافظ را تمام‌وکمال می‌خواندم. او که تاکنون چندین کتاب رمان و داستان روانه بازار نشر کرده است، می‌گوید: متأسفانه هنوز برخورد با معلولان، برخوردی استاندارد و منطقی نیست و در ادامه به خاطره‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: روزی برای کاری بانکی به یکی از شعبات یک بانک رفته بودم. کارمند بانک وقتی فرم را تحویلم می‌داد، گفت: «امضا می‌کنی یا انگشت می‌زنی؟» از اینکه به‌خاطر معلولیتم این‌گونه با من رفتار کرده بود، خیلی ناراحت شدم. از داخل کیفم کتاب «گاری همسایه»‌ام را بیرون آوردم و به او هدیه دادم. خیلی شرمنده شد و کلی عذرخواهی کرد.

لبخند مردم به لبخند شهر

مردم از حس حضور بیلبوردهای «لبخند مشهد» می‌گویند

سعیده ساجدی‌نیا

چند روزی است که حال‌وهوای شهر قدری تغییر کرده است؛ تغییری از جنس نگاه متفاوت به یکدیگر، حسی برای لبخند بیشتر و ماندگاری بیشتر؛ حس خوب دوست داشتن.

فارغ از تلاش خادمان شهر برای ایجاد روح‌افزایی بیشتر و فارغ از استقبال کم‌نظیری که در فضای مجازی از این تابلوها در جریان است و باز فارغ از تمجید فلان مقام و بهمان مسئول، قرار است به میان مردم برویم و از آن‌ها درمورد تبادل حسی که با تماشای این تابلوها صورت می‌گیرد، بپرسیم.

عکس: علی عبدالهی|شهرآرا

اولین مسیر بوستان ملت است و ابتدای ورودی بولوار امامت. خانم جوانی را به گفت‌وگو می‌گیریم و از او درمورد اکران تابلوهای «لبخند مشهد» می‌پرسیم.

او می‌گوید: نصب تابلوهای لبخند، حرکت خوبی است. در همه‌حال لبخند خوب است، حتی در سختی و مرارت‌ها، هرچند اگر جیب‌ها پرپول‌تر باشد، خنده‌ها هم طعم حقیقی‌تری به خود می‌گیرد!

او ادامه می‌دهد: بعضی خنده‌های روی تابلوها واقعا زیباست و حس نشاط به آدم می‌دهد اما تعدادی دیگر از این خنده‌ها انگار زورکی است و لازم است این تصاویر تغییر کند.

او از فرصت استفاده می‌کند و گریزی هم به مشکلات اجتماعی می‌زند و می‌گوید: از مسئولان خواهش می‌کنم قدری به حال‌وروز مردم رسیدگی کنند. وضعیت اقتصادی مردم خوب نیست، نشاط باید همه‌جوره باشد.

حس خوبی در همه‌جای شهر

در ایستگاه اتوبوس، با راننده یکی از خطوط بی‌آرتی درحالی گفت‌وگو می‌کنیم که مشغول سوار کردن چند مسافر است. او در پاسخ به این پرسش که آیا تابلوهای لبخند، برای شما حس خوب لبخند و نشاط را تداعی کرده است یا نه، می‌گوید: بله، خیلی عالی است. امروز در هر نقطه‌ای از شهر که مسیرم بود، این تابلوها را دیدم و به حس خوبی رسیدم.

برخلاف او، یکی از مسافران این خط می‌گوید: این تابلوها لبخندی برای من ندارد. خیلی مصنوعی است و نشاطی هم به‌دنبال ندارد.

«بنیتا»، دختربچه شش‌ساله‌ای که به‌همراه مادرش درحال عبور از محدوده بولوار امامت است، نیز می‌گوید: امروز هر بار این تابلوها را دیدم، خندیدم و می‌خواهم مثل آن‌ها ژست بگیرم و مامانم از من عکس بگیرد. کاش تصویر بچه‌ها بیشتر بود!

لبخند برای انرژی بیشتر

مادر «بنیتا» کوچولو هم احساس خودش از دیدن تابلوهای لبخند را این‌گونه بازگو می‌کند: نصب این تابلوها در سطح شهر موجب می‌شود درمیان همه گرفتاری‌ها، وقتی تصاویر لبخند همشهریانمان را می‌بینیم، انرژی بگیریم و روزمان را خوب شروع کنیم. بالاخره همه این‌ها انرژی مثبت است و بی‌تأثیر نیست. ممنون از ایده‌پردازان این طرح‌ها.

> نصب این تابلوها در سطح شهر موجب می‌شود درمیان همه گرفتاری‌ها، وقتی تصاویر لبخند همشهریانمان را می‌بینیم، انرژی بگیریم و روزمان را خوب شروع کنیم

تعداد و تنوع تابلوها بیشتر شود

زوج جوانی هم در بولوار وکیل‌آباد، صحبت در این‌باره را با «تشکر و قدردانی» آغاز می‌کنند و مرد جوان می‌گوید: خنده، زبانی است که در هر فرهنگ و نژادی عمومیت دارد؛ بارها اتفاق افتاده است حتی هنگام رانندگی وقتی راننده‌ای جلوی ماشینمان پیچیده است، درست در لحظه‌ای که باید عصبانی می‌شدیم، با لبخند طرف مقابل و یک عذرخواهی ساده، ورق برگشته و ما هم لبخند زده‌ایم و همه‌چیز به‌خوبی تمام شده است.

او ادامه می‌دهد: «خنده» حلال بسیاری از مشکلات است و همان‌طور که از قدیم گفته‌اند، بر هر درد بی‌درمان دواست، بنابراین با وجود این تابلوها که حتما باید تنوع و تعدادشان بیشتر و با طرح‌ها و ایده‌های جدیدتر هم باشد، می‌توان آرام‌آرام فرهنگ لبخند به همشهریان را درمیان همه نهادینه کرد.

لبخندها به حاشیه شهر هم برسد!

ارزیابی خانم جوانی که درحال دوچرخه‌سواری در سه‌راه خیام است، نیز درباره تابلوهای لبخند مثبت است اما او یک پیشنهاد هم برای مسئولان دارد و می‌گوید: خیلی بهتر است از این فرصت برای نشان دادن لبخند اقشار مختلف به‌ویژه قشر محروم اما زحمتکش شهر نیز استفاده شود؛ مثلا دست‌فروشانی که در گرما و سرما ناگزیر به کسب روزی حلال برای خانواده‌هایشان هستند، چرا لبخندشان در این تابلوها نباشد؟

نظر این دوچرخه‌سوار را بلافاصله یکی دیگر از شهروندان تأیید کرده، می‌گوید: ای کاش مسئولان با نگاه فرهنگ‌سازی و ایجاد همدلی و همنوایی میان مردم، این تابلوها را طراحی و جانمایی کنند و این‌گونه نباشد که تابلوها فقط در نقاط مرفه‌نشین شهر نصب شود و مردم حاشیه‌نشین از این امکان بی‌بهره باشند.

این خانم میان‌سال ادامه می‌دهد: اگر هدف ایجاد احساس خوب است، شاید اهالی محروم حاشیه شهر بیشتر به این حس و انرژی مثبت نیاز داشته باشند؛ چون با سختی‌های بیشتری روبه‌رو هستند.

سه گل‌فروش نیز که پشت چراغ‌قرمز سه‌راه خیام به مردم گل می‌فروشند، نیز به جمع ما می‌پیوندند. یکی از آن‌ها می‌گوید: خدا را شکر! ما که خیلی کیف می‌کنیم با این لبخندها؛ هرچند برای ما فروش روزانه و پول نمی‌شود اما وقتی می‌خواهیم به مردم گل بفروشیم، آن‌ها را به تماشای لبخند تابلوها و سپس خرید گل، تشویق می‌کنیم.

تابلوهای لبخند در حوالی میدان جانباز هم خودنمایی می‌کند. درکنار یکی از مجتمع‌های تجاری از یکی از شهروندان درمورد تابلوهای لبخند می‌پرسم. این دختر نوجوان هنوز تابلوهای لبخند را ندیده است و با اشاره ما برای لحظاتی به تابلوها نگاه می‌کند و می‌گوید که حس خاصی از دیدنشان ندارد. شانس، گفت‌وگو را ادامه می‌دهیم و این‌بار از مردی کهنسال همین سوال را می‌پرسیم. او نیز با وجود اینکه تاکنون تابلوها را به‌خوبی ندیده است، از وجود آن‌ها استقبال می‌کند و می‌گوید: خوب است. کار جدیدی است. می‌پسندم.

> وقتی به این تابلوها می‌رسیم، به مسافران هم یادآوری می‌کنیم نگاه کنند تا شاید کمی از اضطراب‌های درونی‌شان کاسته شود

اتاق فکری برای ایده‌های بدیع

ادامه پرس‌وجوی ما از عابران جالب است. تابلوهای لبخند را در میدان جانباز به تعداد دیگری نشان می‌دهیم. برخی‌ها با دیدن لبخند، ناخودآگاه لبخند بر لبانشان می‌نشیند و برخی هم فقط نگاه می‌کنند و نکته جالب این است که از میان ۷، ۸نفری که با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم، کسی انتقادی از حضور یا کیفیت تابلوها ندارد.

خانم جوانی هم می‌گوید: مشخص است که پشت این طرح‌های مبتکرانه، اتاق فکری هست که با نگاه کارشناسی و باتوجه‌به شرایط حاکم بر زندگی مردم، ایده‌ها را پشتیبانی و اجرایی می‌کنند.

با طی مسافتی، این‌بار به سه‌راه راهنمایی می‌رسیم و با یک راننده تاکسی در ابتدای این سه‌راه گفت‌وگو می‌کنیم. او که شصت‌ساله به نظر می‌رسد، می‌گوید: اگر اوضاع اقتصادی را کنترل می‌کردند، دیگر نیازی به هزینه‌هایی از این دست نبود! اما بازهم دستشان درد نکند که به فکر دل پرغصه مردم هستند؛ چون بودن این تابلوها بهتر از نبودنشان است.

اما همکار او که در ایستگاه منتظر مسافر ایستاده است، در این باره پیشنهادی می‌دهد و می‌گوید: پشت فرمان که هستیم، وقتی به این تابلوها می‌رسیم، به مسافران هم یادآوری می‌کنیم نگاه کنند تا شاید کمی از اضطراب‌های درونی‌شان کاسته شود؛ هر چند که این حس لحظه‌ای و گذرا باشد، بنابراین به دیگر رانندگان سطح شهر هم توصیه می‌کنم همین نگاه را داشته باشند.

حالا به میدان فلسطین رسیده‌ایم. چند دانش‌آموز درحال بازگشت به خانه هستند. با یکی از آن‌ها که گفت‌وگو می‌کنیم، پاسخ جالبی می‌دهد و می‌گوید: بگویید عکس ما دانش‌آموزان خندان را هم روی این تابلوها بزنند تا خوشحال‌تر بشویم. کمی آن‌طرف‌تر پیرمرد سالخورده‌ای هنگام بالا آمدن از پله‌های ایستگاه مترو با اینکه عجله دارد، پرسش ما را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و می‌گوید: تا همین الان که شما به تابلوها اشاره کردید، ندیده بودم و شاید اگر هم می‌دیدم، اتفاقی نمی‌افتاد؛ چون کار از این حرف‌ها گذشته است.

آخرین شهروندی که درباره تابلوهای لبخند اظهارنظر می‌کند، عابر پیاده‌ای در میدان شهداست که به خواندن دو بیت شعر بسنده کرده، می‌گوید: زیبایی صبحم شود ای عشق دوچندان/ گر دیده گشایی و بتابی به دل و جان/ چون غنچه گل بشکفی و عطر بپاشی/ لبخند تو خیری است به هرقلب پریشان

scan it

آگهی فراخوان
سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری مشهد

موضوع : جذب اسپانسر استقبال از بهار ۹۸

با عنایت به اینکه المانهای زیبای بهاری در حال ساخت بوده و از پایان اسفند ماه در معابر سطح شهر نصب خواهد شد، لذا سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری مشهد در نظر دارد به منظور هرچه باشکوه تر برگزار شدن مراسم استقبال از بهار نسبت به شناسایی و انتخاب کارگزاران واجد شرایط جهت استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و دولتی به عنوان اسپانسر اقدام نماید؛ به همین منظور از کلیه شرکتهای تبلیغاتی و کارگزاران ذیصلاح که آمادگی همکاری برای جذب تبلیغات روی المانهای بهاری را دارند دعوت می گردد پیشنهاد خود را تا ساعت ۱۴ مورخه ۹۷/۱۱/۰۱ به آدرس:میدان شهید فهمیده بلوار توس-توس ۴۱ - ساختمان معراج-طبقه اول-واحد دبیرخانه سازمان پارکها و فضای سبز تحویل نمایند.(فکس : ۳۶۶۵۴۷۷۰).

ضمنا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳-۳۶۹۱۰۶۳۱ داخلی ۳۶۷ هماهنگی گردد.

سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری مشهد

السلام علیک یا علی ابن موسی الرضا علیه السلام

بدینوسیله به اطلاع مردم مومن و خداجوی می رساند نماز جمعه مورخه ۹۷/۱۰/۲۱ در جوار مضجع منور رضوی به امامت حضرت آیت الله علم الهدی امام جمعه محترم مشهد مقدس و نماینده معزز ولی فقیه در استان خراسان رضوی و با حضور زائرین و مجاورین حضرتش اقامه خواهد شد.

زمان شروع مراسم نماز جمعه : ساعت ۱۰:۱۵
مکان برگزاری مراسم : حرم مطهر رضوی
رواق امام خمینی (رحمه الله علیه)

گامهای استوارتان بر بال ملائک ، قرین پاداش حق و بر خدمتگزارتان مفتخریم .

پل ارتباطی ما با شما پرتال alamolhoda.com و snajm.ir و نیز سامانه پیامکی ۱۰۰۰۳۲۲۵۵۰۹۰ جهت ارسال انتقادات و پیشنهادات شما در نظر گرفته شده است.

شبکه ی اجتماعی ستاد نماز جمعه مشهدمقدس @SNJM8

پلخمو
ضمیمه طنز شهرآرا

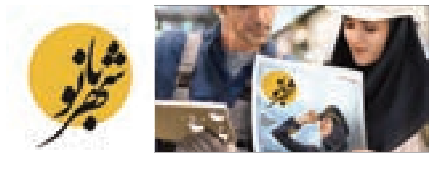

مناقصه عمومی ۶ - ۴ - ۹۷

موضوع : تعمیر و مرمت پل فجر

شهرداری منطقه ۴ مشهد مقدس در نظر دارد پروژه فوق را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت ets.mashhad.ir مراجعه گردد.

تلفن تماس: ۳۱۲۹۴۰۴۹

امور قراردادها و پیمانهای منطقه ۴